مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دورهٔ هفتم، سال اول، شمارهٔ ۱۷۳
پنجشنبه ۲ اسفندماه ۱۳۵۸ - تکشماره ۱۵ ریال

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام اسناد جدیدی را درباره توطئه آمریکا علیه انقلاب ایران و رهبر آن امام خمینی افشا کردند

دیروز دانشجویان مسلمان پیروخط امام اسناد جدیدی را دربارهٔ توطئه آمریکا علیه انقلاب ایران و رهبر آن امام خمینی، ارتباط گروه فرقان با آمریکا و فعالیت‌های جاسوسی و ضد - انقلابی هوشنگ نهاوندی، اویسی وفیروزشریفی افشا کردند.

متن این اسناد در شمارهٔ آینده به‌اطلاع خوانندگان گرامی خواهد رسید.

عقل امپریالیسم

زائیده ماهیت امپریالیسم و در خدمت سیاست امپریالیستی است

امپریالیسم یك پدیده مهم اجتماعی است، که با خصائص اساسی وکلی خود مشخص میگردد. این خصائص اساسی وکلی که ناشی از ماهیت عمده اقتصادی - تاریخی امپریالیسم است، واقعیت عینی دارد وتابع امیال وارادهٔ این وآن نیست. اگر بخواهیم کوتاه‌ترین تعریف امپریالیسم را داده باشیم، باید بگوئیم که امپریالیسم مرحله انحصاری سرمایه‌داریست، یعنی مرحله‌ایست که تمرکز تولید وسرمایه کاررا به‌پیدایش انحصارات کشانده ورقابت آزاد در رشته‌های تولیدی جای خودرا به‌انحصار داده است.

درارتباط مستقیم با این امر است که گسترش نقش بانك‌ها کیفیت تازه‌ای را بوجود میآورد ودر نتیجه‌ی توأم شدن «سرمایه صنعتی» و «سرمایه مالی» پدیده نوی بنام «الیگارشی مالی» (حاکمیت گروه کوچك میلیاردرها) بوجود میآید. همین تمرکز بیش ازحد (حدود ملی، «دولتی»، «کشوری») سرمایه‌است که‌مشرایط‌ضروری برای «صدور سرمایه» را بوجود میآورد. واین «صدور سرمایه» (به تمایز از «صدور کالا») یکی دیگراز خصائص اساسی مرحله امپریالیستی سرمایه‌داریست. در این مرحله است که «اتحادیه‌های جهانی» سرمایه‌داران بوجودمیآید که دنیارا بین‌خودتقسیم کرده‌اند. دراین‌مرحله‌ازگسترش سرمایه‌داریست که تقسیم‌جهان‌بین‌بزرگترین دولت‌های سرمایه‌داری (امپریالیستی) پایان یافته ومسئله «تجدید تقسیم» جهان پیش آمده است. بطور خلاصه اینهاست آن خصائص اساسی وکلی امپریالیسم‌که ازماهیت اقتصادی - تاریخی آن‌ناشی میشوند. وهمین ماهیت عمده اقتصادی - تاریخی است که سیاست دولت‌های امپریالیستی را تعیین میکند.

عقل امپریالیسم زائیده همین ماهیت عمده امپریالیسم ودر خدمت سیاست امپریالیستی . است دولتها (و رجال دولتی) امپریالیستی فقط براساس این‌ماهیت عمده ودرچارچوب‌این‌سیاست معین شده است‌که عمل میکنند. همین مساهیت عمده اقتصادی - تاریخی امپریالیسم است‌که مناسبات دولت آمریکارا با دولت‌های دیگر ازجمله دولت ایران **در خطوط اصلی وکلی** خود تعیین میکند.

وقتی دولت امپریالیستی آمریکا ازشاه مخلوع‌ایران حمایت میکند، «اشتباه» نمیکند، بلکه‌سیاست امپریالیسم آمریکا رادرعمل پیاده میکند. وسیاست امپریالیستی ماهیتاً جزاین نمیتواند باشد. در داخل این خطوط اساسی وکلی‌است‌که دولت‌ها (وشخصیت‌ها)ی امپریالیستی «میتوانند حرکت کنند وبه‌مانور بپردازند. مثلا اگر آقای‌کندی درجریان مبارزات انتخاباتی آمریکا کارتر رابپرامون مناسبات دولت او باشاه مخلوع مورد انتقاد قرار میدهد، فقط در حدود این خطوط اساس وکلی و در واقع بخاطر اجرای (ادامه) همان سیاست،یعنی ناشی‌ازماهیت عمده‌اقتصادی-تاریخی‌امپریالیسم است. از اینرو نیز اگرآقای‌کندی به«اشتباهات»کارتر دردحمایت ازشاه مخلوع ایران اعتراف‌کند» جای تعجب نیست. اما جای تأسف است‌که برخی مقامات مسئول ایران انقلابی (ودرسانه‌های ارتباط جمعی) باصطلاح «اعتراف» به‌چنین «اشتباهی» را ازطرف دولت امپریالیستی‌آمریکا شرط ادامه مناسبات‌امپریالیسم‌آمریکابا ایران بدانند و «برسمیت شناختن استقلال ایران» را بوسیله آن دولت‌کافی بشمارند. مگرامپریالیسم‌آمریکا درتمام مدت‌مدیدتسلط خائنانه براندازاقتصادی، اجتماعی، سیاسی، نظامی وفرهنگی‌خود بر‌ایران هیچگاه منکر‌برسمیت شناختن استقلال ایران‌بوده‌است؟! وآیا این‌کافی است‌که دولت‌آمریکا «تقاضا در مورد بازگرداندن شاه وثروت اورا حق مسلم ایران بدانند»؟! واساساً‌این حق مسلم ایران چه احتجاجی به‌شناسائی اظرف دولت آمریکا - این دشمن اصلی‌مردم‌ایران -سدارد؟!

تلاش برای «بغل‌آوردن» امپریالیسم آمریکا، باهرنیتی‌که صورت‌گیرد، جزگشایش راه‌های احیای سیطره امپریالیسم آمریکا نتیجه عملی دیگری نخواهد داشت. امپریالیسم آمریکا باگستاخی خاص از «منافع حیاتی» خود درحوزه خلیج فارس(!؟) صحبت میکند. امپریالیسم آمریکا آشکارا دامنه «مناطق حیاتی» و «حریم امنیت» منافع آمریکا را به اقیانوس‌هند وخلیج‌فارس کشانده است. امپریالیسم آمریکا هرروزبه تقویت بیش‌ازپیش نیروهای نظامی

بقیه در صفحه ۲

پیام شادباش
کمیته‌مرکزی حزب توده ایران به‌جبهه‌دمکراتیك‌برای آزادی‌فلسطین

بمناسبت سالگرد بنیادگذاری جبهه دمکراتیك برای آزادی فلسطین (۲۲فوریه - ۳بهمن) ازجانب‌کمیته مرکزی حزب‌توده ایران پیام شادباشی ارسال شده است‌که در زیر به‌اطلاع خوانندگان‌گرامی «مردم» میرسد:

دبیرکل کمیته مرکزی جبهه دمکراتیك برای آزادی فلسطین
رفیق گرامی نایف حواتمه

کمیته مرکزی حزب توده ایران یازدهمین سالگرد بنیادگذاری جبهه دمکراتیك برای آزادی فلسطین رابشما، همه اعضای جبهه وخلق فلسطین شادباش میگوید.

بنیادگذاری جبهه دمکراتیك برای آزادی فلسطین ونقش ارزنده‌آن درسازمان آزادیبخش فلسطین نقطه عطفی در مبارزه دلاورانه مردم فلسطین علیه امپریالیسم، صهیونیسم وارتجاع ودرراه پیشبرد حقوق عادلانه خلق فلسطین بوده است. پیوند ناگسستنی که بین خلقهای فلسطین وایران وجود دارد، ازپیکار مشترك ما علیه امپریالیسم وارتجاع سرچشمه میگیرد. مردم ما به مبارزه جانبازانه خلق فلسطین همواره به دیده تحسین واعجازنگریسته‌اند وباشعار «مرگ بر سه مفسدین، کارتر وسادات وبگین» نفرت عمیق خودرا ازپیمان نامقدس امپریالیسم، ارتجاع وصهیونیسم ، برای سرکوب نیروهای ضدامپریالیست، خلقی و مترقی ابراز داشته اند .

حزب توده ایران ضمن محکوم کردن سیاست تجاوزکارانه واشغالگرانه صهیونیست‌های اسرائیلی، پشتیبانان امپریالیستی آنها ودر پیشاپیش آنان امپریالیسم جنایتکار آمریکا ودستیارانش در میان محافل ارتجاعی وسازشکار عرب، باردیگر پشتیبانی کامل خودرا ازپیکار ضدامپریالیستی وعادلانه مردم فلسطین، به رهبری سازمان آزادیبخش فلسطین، یگانه نماینده راستین خلق فلسطین، اعلام میدارد.

حزب توده ایران،که همواره ازپشتیبانی عمیق جبه‌دمکراتیك برای آزادی فلسطین بهره‌مند بوده است، بویژه ازهمبستگی مردم فلسطین باانقلاب ضدامپریالیستی وخلقی‌ایران، برهبری امام خمینی، سهامگزار است. اکنون‌که امپریالیسم آمریکا و دستیارانش دسیسه‌های نظامی- سیاسی جدیدی رادر منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند تدارك میبینند، خلقهای منطقه وظیفه دارندکه مبارزه مشترك خودرا علیه امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکاو برای حفظ صلح جهانی وتشدید کنند.

درپایان، پیروزیهای بیشتر شمارا درمبارزه باامپریالیسم و صهیونیسم ودرراه حقوق ملی وپیشرفت اجتماعی خواستاریم.

کمیته مرکزی حزب تودهٔ ایران
دبیراول:
نورالدین کیانوری

لیبرال کیست؟

منفرد کردن سیاست لیبرالی به‌چه معناست؟

شاید روزنامه «مردم» نخستین روزنامه‌ای بودکه پس از انقلاب دو مفهوم «لیبرالیسم» و «دمکراتیسم» را توضیح داد و گفت که همه مسئله، چنانکه درپلنوم ۱۶ کمیته مرکزی حزب توده ایران مطرح شده، در آنست که لیبرالها در انقلاب ایران منفرد گردند و از دمکراتها پشتیبانی شود.

این واژهٔ لیبرال بعدها در «گنجینه لغات»گروه‌های سیاسی دیگر پذیرفته شد و مفهوم مشخص خود را در جامعه کنونی بعد از انقلاب پیدا کرد و اینك در مقیاس وسیعی بکار میرود.

لیبرال در شرایط کنونی آن سیاستداری است‌که از انقلاب ایران تنها مسئله «آزادیها» (آنهم آزادیهای بورژوایی) را عمده میکند و مایل نیست چیزی جز در این زمینه در ایران، نسبت به‌دوران «موسوم به طاغوت»، عوض شود. همان سیاست اقتصادی، همان سیاست خارجی، منتها با این تفاوت که بجای‌خانواده پهلوی، اینك لیبرالها حاکمیت را در ایران در دست بگیرند و موافق ذوق خود ایران را در چارچوب «جهان سرمایه‌داری» اداره کنند.

این سیاست لیبرالها تازگی نداشت. آنها از همان اوایل انقلاب، طنینانش تنها متوجه سالسور و بسود آزادی بود و میگفتند که حتی شاه، بشرطآنکه تنها سلطنت کند و درامور حکومتی دخالت نورزد، میتواند بماند. فقط اختیار کامل دولت (و از آنجمله وزارت جنگ) را بما بدهد. کمی دیرتر، تحت‌فشار جنبش خلق، با خروج شاه موافق بودند ولی با ابقاء سلطنت و زادورود شاه مخالفتی نداشتند.

البته لیبرالها از فزاینده‌رویهای دولت شاه در سیاست خارجی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی ناراضی بودند و درهمه این عرصه‌ها به‌نوعی «جراحی‌های پلاستیك» تمایل داشتند، ولی درواقع نکته مرکزی کار، پایه (پلاتفرم) سیاسی آنها این بود که‌خودشان بجای عمال پهلوی سر کار بیایند و با کمی فرش به‌همکاری با غرب امپریالیستی و سرمایه‌داری داخلی ادامه‌دهند.

لیبرالها از همان زمان مصدق با بخش فوقانی بازار و بخش فوقانی روحانیت محافظه کار رابطه‌داشتند. سازمان سیاسی آنها در سابق «جبهه ملی» بود که بعدها اجزاء آن سرنوشت‌های فراوان متعددی یافتند. ولی برخی از آنها باصطلاح در بقاء درمواضع سنتی خود چانه‌سختی نشان دادند و تمام آرزویشان این‌بود که روزی وزارت خارجه آمریکا از استبداد مطلقه پهلوی‌ها دست بکشد و قدر رهبری آنها را درك کند.

جنبش توفانی انقلابی خلق و رهبری قاطع و آشتی‌ناپذیر **امام خمینی**، سلطنت مستبد پهلوی را به زباله‌دان تاریخ افکند و بدینسان نقشه لیبرالها عقیم ماند و آرزوهای آنان دراین‌زمینه بر باد رفت.

پس از انقلاب، که بدلائل معین، بطور عمده نمایندگان بورژوازی لیبرال، دولت موقت را تشکیل دادند، لیبرالها تمام‌تیروی خود را بکار بردند تا انقلاب را در چارچوب خواستهای محدود بورژوائی خود نگاه دارند، و اگر باز هم جنبش انقلابی خلق و رهبری‌قاطع و آشتی‌ناپذیر **امام‌خمینی** و نهادهای انقلابی مساند کمیته‌ها، پاسداران، دادگاههای انقلابی و غیره نبود، ممکن بود که نقشه لیبرالها به‌نتیجه برسد.

با اینحال خط لیبرالها ابدا و اصلا پایان‌نیافته است. آنها کماکان در حساس‌ترین مراکز دولتی و رهبری انقلاب مواضعی در دست‌دارند. از آن گذشته **کاملا امیدوارند** که بتوانند از موضع دفاعی به موضع عرضی انتقال یابند و تا حدی انتقال‌نیز یافته‌اند.

ما با احدی دعوای **خصوصی** نداریم و برخلاف‌خود این آقایان لیبرال، که هرجا که دستشان رسیده، در این‌سال کردن حزب توده ایران، بدون کمترین‌روای اخلاقی و انسانی کوشیده‌اند، ما مواضع آنها را مواضع سیاسی میشمریم و با این مواضع از جهت سیاسی مخالفیم. اینکه در میان آقایان لیبرالها کسانی هم باشند که با امپریالیسم روابط خاصی داشته باشند (چنانکه در همه گروهها وجود چنین عناصر پلیدی ممکن است) آن امری است جداگانه، که باید در دادگاهها بثبوت رسد و تا چیزی به‌ثبوت نرسیده، نباید کسی را بدان متهم ساخت.

مخالفت ما با لیبرالها برای آنست که ما معتقد نیستیم که آنها با آن‌طرز تفکر بورژوایی خودبتوانند انقلاب ایران را به‌نتایج لازم برسانند. روش آنها یکبار در انقلاب مشروطه امتحان شده. روش آنها در دنیای انقلابی امروز «وسیله ناجور» است.

اما این نتایج کدام است؟

۱- اولین نتیجه‌ای که انقلاب باید به آن برسد، استقلال واقعی سیاسی و اقتصادی است، و لازمه این کار قطع‌همه مجاری و رشته‌های‌وابستگی به‌امپریالیسم، بویژه امپریالیسم آمریکاست. لیبرالها به‌چنین‌چیزی معتقد نیستند. در فضای شورانگیز پس از انقلاب، آنها به‌سخنی از مواضع نادرستی که هرگز ما را به‌استقلال نمیرساند، دفاع میکردند و از اقدامات قاطعی که رهبری امام بر آنها تحمیل میکرد، سخت ناراضی و برآشفته بودند.

۲- دومین نتیجه‌ای که انقلاب باید به آن برسد دمکراسی است. ما دمکراسی را از دو جزء (و نه‌تنها یك جزء) یعنی آزادیهای دمکراتیك و حقوق اقتصادی و رفاهی مردم مرکب میدانیم و بخش دوم را مضمون اساسی بخش اول میشمریم. ما برای تامین حقوق اقتصادی و رفاهی مردم، پایان دادن به بهره‌کشی سرمایه‌داران وابسته و زمینداران بزرگ را از محل‌های ضرور میدانیم. لیبرالها به‌این هم ابدا معتقد نیستند، نه برای آنکه خودشان جنبا از زمره سرمایه‌دارند، نه! در میان آنها برخی‌ها ثروت خاصی هم ندارند، بلکه برای آنکه معتقد نیستند که «بهره‌کشی

بقیه در صفحه ۲

درصفحات بعد

برنامه نامزدهای حزب توده ایران درانتخابات مجلس شورایملی برای ایجاد نظام شورائی
صفحه ۳

□ نقض قانون قدیم کارواعتراضات کارگران به‌چپاولگری‌های کارفرمایان
صفحه ۶

سیل ، زورش بیشتر ازهمه‌به کپرهای زحمتکشان خوزستان رسید
صفحه ۵

بچه‌ها، ۸ کیلومتر پیاده میروند تابمدرسه‌برسند
دیداری از «فورت داغی» محله‌ای در۲۳ کیلومتری تهران
صفحه ۳

□ شورشیان ضد انقلابی افغانستان از جانب «سیا» سازمان‌داده میشوند
صفحه ۲

اتحادشوروی پشتیبان انقلاب ایران است

آندره‌گرومیکو، وزیرخارجه‌اتحادشوروی، بمناسبت انتخابات دراتحادشوروی‌نطقی دریکی ازجلسات انتخاباتی ایراد کرد که از نظر اهمیت ، نکات برجسته آن در زیر به‌اطلاع خوانندگان‌گرامی میرسد:

آندره‌گرومیکو، وزیر امورخارجه اتحادشوروی، در سخنرانی خود در جلسه انتخاباتی خاطرنشان‌کرد که: «در سیاست واشنگتن گرایش شدیدی بسوی «جنگ سرد» مشاهده میشود . هدف ازین سیاست تغییر تناسب موجود نیروهای مسلح‌میان شرق‌وغرب است. این‌سیاست محکوم‌به‌شکست‌است.مابارها درمجامع بین‌المللی اعلام کرده‌ایم که اجازه نخواهیم داد آمریکا چنین‌تفوقی‌حاصل کند.

آمریکا تلاش دارد کمك نظامی مورد تقاضای جمهوری دمکراتیك افغانستان‌را ازاتحاد شوروی خطر و تهدیدی برای منابع نفت منطقه خلیج‌فارس

بقیه در صفحه ۲

به‌حزب

(غزل)

چه پاك دلبر مارا زخصم دل سیهش
که از فروغ ظفر پرتویی است در نگهش

«نوید» باد که «مردم» زراه می‌آیند
نویدبخش شگرف است ومردمی است رهش

تمامٔ عمر فروسوخت، تابه توده خلق
چراغ گشت فراراه واین بود گنهش

شرار کینه بپاشد که این ستاره صبح
میان به مردم رزمنده ساخت ره زچهش

عبث به لشگر شب بیم میدهید اورا
که اوست زاده خورشید واختران سپهش

غریو سفسطه‌اش نیز اثر نخواهد داشت
اگر نراند زسنگر نهیب پادشهش

چو مار سرد بپر خاروخس نگیرد جای
عقاب چرخ برین است وقله جایگهش

چو کوه برسر ایمان خویش پابرجاست
که سیل حادثه هرگز نمی‌برد ز رهش

احسان طبری
بهمن ماه ۱۳۵۸

نامزدهای حزب توده ایران درانتخابات‌مجلس شورایملی مدافع استقلال، آزادی و منافع زحمتکشانند باانتخاب آنها، به‌تحقق هدفهای ضدامپریالیستی،دمکراتیك وخلقی انقلاب‌بزرگ مردم‌ایران کمك کنید